

تغییر نسل مربیان در فوتبال ایران

ایده‌های تازه یا فقط چهره‌های تازه؟



علی مغانی

Ali Moghani

«محمود یاوری، فرهاد کاظمی، پرویز مظلومی، فیروز کریمی، بیژن ذوالفقارنسب، محمد مایلی‌کهن، حمید درخشان، اکبر میثاقیان، منصور ابراهیم‌زاده، محمد احمدزاده، رسول کریم‌کندی، خداداد عزیزی، محمدحسین ضیایی، حمید علیدوستی، ناصر پورمهدی، مجید باقری‌نیا، داود مهابادی، حمید استیلی، افشین پیروانی، اصغر مدیرروستا، مهدی هاشمی‌نسب، علی حنطه، فرهاد پورغلامی».

این اسامی به ظاهر ناهمگون، در یک نکته اشتراک دارند. آنچه در پاراگراف بالا خواندید، در واقع فهرست مربیانی است که ۱۰ سال قبل در لیگ برتر ایران روی نیمکت مربیگری می‌نشستند و امروز دیگر در بالاترین

سطح لیگ از آنها استفاده نمی‌شود. طبیعاً دلیل کمرنگ شدن بعضی از آنها کهنولت سن است که با عبور از مرز ۶۰ سالگی، درگیر محدودیت‌های تازه‌ای شده‌اند اما از منظری دیگر، بیانگر اتفاق کم‌نظیری است که در این سال‌ها رخ داده. روند ورود «مربی‌ان تازه‌کار» به لیگ برتر ایران بسیار بیشتر از نمونه‌هایی است که در لیگ‌های معتبر دنیا سراغ داریم و همین ورود پرشتاب تازه‌کارها، باعث می‌شود خروجی بیشتری هم داشته باشیم.

اگر یک بازه زمانی ۱۰ ساله را در نظر بگیریم، از دهه گذشته تا امروز فقط انگشت شمار مربیانی بوده‌اند که توانسته‌اند شغل خود را حفظ کنند؛ امیر قلعه‌نویی، مجید جلالی و حسین فرکی نمونه‌هایی از این دست هستند. چند نفر دیگر هم نظیر علی‌دایی، یحیی گل‌محمدی، فرار کمالوند و مهدی تارتار که در آن دوره «مربی تازه‌کار» محسوب می‌شدند، توانسته‌اند موقعیت خودشان را در این شغل تثبیت کنند و همچنان گزینه هدایت تیم‌های لیگ برتری باشند. در عوض بسیاری از مربیان جوان یک دهه پیش نظیر افشین پیروانی و

خداداد عزیزی در پست‌هایی نظیر سرپرستی و مدیرفنی حضوری گاه‌گاهی دارند و یا مثل مهدی هاشمی‌نسب راه دستیاری را پیش گرفته‌اند. به تعبیری دیگر، مربیگری در فوتبال ایران شغل بسیار بی‌ثباتی است و کسی نمی‌تواند برای سال‌های طولانی روی آن حساب باز کند.

اما در لیگ بیستم، اتفاق عجیبی رخ داده و امیر قلعه‌نویی ۵۶ ساله تبدیل به مسن‌ترین مربی لیگ شده. به جز قلعه‌نویی، فقط ۴ مربی دیگر هستند که لااقل در ۵ دوره لیگ برتر سرمربی بوده‌اند و جالب‌تر اینکه ۵ مربی بدون اینکه سابقه مربیگری در لیگ برتر را داشته باشند، در این دوره مشغول به کار می‌شوند.

چه تغییری در فوتبال ایران پدید آمده که مدیران باشگاه‌ها به «مربی اولی»‌ها روی خوش نشان می‌دهند؟ آیا ورود نسل تازه‌مربیان به این عرصه الزاماً به معنی ورود «ایده‌های تازه» است؟ چطور می‌شود که هدایت دو تیم بالانشین سال گذشته به محرم نویدکیا و سیدمهدی رحمتی سپرده می‌شود که حتی یک روز هم سابقه مربیگری و یا حتی دستیاری در فوتبال ندارند؟ این روزها

تا صحبت از «مربی جوان» می‌شود، پولیان ناگلزمان را به عنوان نمونه مربی موفقی مطرح می‌کنند که در ۳۳ سالگی در لیگ قهرمانان اروپا با لایپزیگ خوش درخشیده اما به آنچه که توجه نمی‌شود، این است که ناگلزمان هم قبل از اینکه در ۳۰ سالگی سرمربی هوفنهایم شود، بیش از ۵ سال تجربه دستیاری و مربیگری در تیم زیر ۱۹ سال همین باشگاه را داشت و در واقع «صفر کیلومتر» نبود. به نظر می‌رسد رویکرد تازه مدیران باشگاه‌ها، بیش از آنکه به دلیل شایستگی و ایده‌های تازه مربیان جوان باشد، نتیجه ناامیدی آنها از نسل سابق مربیان ایران است که دافعه اغلب آنها به جاذبه‌های‌شان می‌چربد. به زبان ساده‌تر، امروزه بین دو گزینه «مربی خنثی» و «مربی بی‌کارنامه»، گزینه دوم است که طرفدار بیشتری دارد و مدیران هندوانه در بسته را به هندوانه بی‌مزه ترجیح می‌دهند.

نکته دیگر اینکه بعضی از این انتخاب‌ها تحت تأثیر روابط غیرفوتبالی است و مربیان جوان انگار در لابی کردن، از پیشکسوتان خود خبره‌تر هستند!

